



## شناخت پدیده خاورشناسی و منشأ آن

در تعریف استشراق گفته‌اند:

«العلم باللغات و الأدب و العلوم الشرقية»<sup>۱</sup>  
و عالم به آن را مستشرق (خاورشناس)  
می‌گویند.

پدیده خاورشناسی یا استشراق، در اصطلاح، به مجموعه مطالعات مربوط به شرق اطلاق می‌شود؛ خواه این مطالعات به ملیتها و اقوام برگردد یا به ادیان و ادبیات. بدین‌سان مطالعات ایران‌شناسی، عرب‌شناسی، هندشناسی، چین و ترک‌شناسی و نیز اسلام‌شناسی، یا مطالعه ادیان و آیینهای کهن شرقی چون زرتشتی‌گری، بودیسم و ... همه در این مقوله می‌گنجد. البته اگر چه مصداق خاورشناسان فقط غربیها نیستند، اما عادتاً اکثر ایشان غربی‌اند.

ادوارد سعید در تعریف شرق‌شناسی می‌نویسد:

«شرق‌شناسی به رشته‌ای اطلاق می‌شود که درباره شرق گفت و گو می‌کند، می‌نویسد و می‌آموزد. به عبارت دیگر، شرق‌شناسی رشته فعالیت کسی است که در خصوص شرق مطالعه می‌کند و یافته‌های خود را در اختیار دیگران می‌گذارد... شرق‌شناسی علمی است که درباره

# آسیب‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان

زهرا اخوان صراف

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف

اسلامی هدی - قم

۱- المنجد، ماده شرق.

شرق قضاوت کرده و واقعتهای آنها را بررسی و تفسیر می‌کند.<sup>۱</sup>

شرق در نگاه غربیان مفاهیم گوناگونی دارد: ۱. مفهوم جغرافیایی؛ در این معنی، مراد از شرق همان آسیا، خاورمیانه باستانی و دنیای غیر اروپایی است.

۲. مفهوم ایدئولوژیکی؛ که شرق مسلمان را در مقابل غرب مسیحی قرار می‌دهد.

۳. مفهوم سیاسی؛ به خطری اشاره دارد که دنیای مسیحیت و غرب سرمایه‌داری را تهدید می‌کند.

### پیدایش خاورشناسی

زمان شروع مطالعات خاورشناسی از سوی غربیان دقیقاً شناخته شده نیست. برخی رگه‌های آن را در یونان باستان جست و جو کرده و تاریخ «هروودت» را نوعی خاورشناسی دانسته‌اند. گاه خاورشناسی را میراث کنجکاووها و پژوهشهایی دانسته‌اند که مسیحیان پس از پایان گرفتن جنگهای صلیبی در برابر فرهنگ اسلامی آغاز کردند... ولی می‌توان گفت خاورشناسی به صورت جدی در قرن شانزدهم در اروپا شکل گرفت و در قرن هفدهم با اختصاص کرسیهایی به آموزش زبان عربی در فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند، ایتالیا و ... آشکار گردید.<sup>۲</sup>

### انگیزه‌های خاورشناسان

یکی از صاحب‌نظران انگیزه‌های خاورشناسان

را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- انگیزه‌های تیشیری؛

۲- اغراض و اهداف استعماری؛

۳- انگیزه‌های علمی.<sup>۳</sup>

این مطلب، یکی از موضوعاتی است که نویسندگان مسلمان همیشه با تردید بدان نگریسته‌اند. گرچه برخی به این فعالیتها خوشبین بوده، اما بیشتر ایشان بر تردید خویش پای فشرده و از آن تلقی بدبینانه داشته‌اند. تا آنجا که به موضوع این مقاله مربوط است، مطالعات قرآنی و پژوهش در معارف آن توسط محققان و متفکران مسیحی، منحصر در خاورشناسان هم نبوده است. اگرچه جمع عمده‌ای از ایشان خاورشناسانی بوده‌اند که بنا به طبیعت مطالعه فرهنگ شرقی و اسلامی باید به قرآن کتاب آسمانی مسلمانان توجه می‌کردند، اما گروه دیگر

۱- ادوارد سعید، شرق‌شناسی، شرقی که آفریده غرب است، ترجمه اصغر عسکری خانقاه - حامد فولادوند، ص ۶-۵.

۲- طبقات المستشرقین، ص ۴؛ ابوالقاسم سحاب، فرهنگ خاورشناسان، ص ۱۲.

۳- محمد حسین علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، ص ۱۷.

افرادی بودند که اسلام‌شناسی یا دین‌شناسی رشته تخصصی آنان بوده و به این دلیل، به قرآن به عنوان یک کتاب مقدس توجّه کرده‌اند و گاه بررسی معارف قرآنی توسط روحانیان رسمی کلیسا با هدف تقریب ادیان الهی و توجّه به جوهر ادیان انجام شده است که البته این کار پرارزشی است ولی به ندرت کشیشان به آن پرداخته‌اند.

انگیزه‌ها هر چه باشد، نمی‌توان این پدیده را نادیده انگاشت و به بهانه مغرضانه بودن آنها، به تحلیل و پژوهش درباره آن نپرداخت؛ زیرا علاوه بر آنکه کنجکاویهایی علمی انسانها - به هر انگیزه که باشد - سهمی در بنای عظیم معارف بشری دارد، نگرستن در آنها باعث سود بردن از پژوهشهای عالمانه و توانایی بر تحلیل و پاستخگویی به موارد نادرست و غیر علمی می‌شود.

این مقاله، به صورت فشرده، به مسئله‌شناسی و آسیب‌شناسی روشهای مطالعات خاورشناسان در زمینه قرآن می‌پردازد.

### مسئله‌شناسی پژوهشهای

### قرآنی خاورشناسان

مطالعات خاورشناسان در حوزه اسلام، ابعادی گسترده دارد و از میان آنها به قرآن، حدیث، تاریخ اسلام، فقه، فلسفه و سایر علوم

می‌توان اشاره کرد.

خاورشناسان در هر زمینه آثار فراوانی منتشر ساخته‌اند که آن آثار، بازتابهای گسترده‌ای در میان مسلمانان داشته و مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

مطالعات قرآنی آنان به دو محور قرآن و تفسیر برمی‌گردد. در مورد قرآن، شبهاتی پیرامون تاریخ و نیز علوم قرآن مطرح کرده‌اند که از نقلش به رعایت اختصار صرف نظر می‌شود.

در مورد تفسیر می‌توان موضوعات مطالعاتی را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱ - شبهات آنها پیرامون تفسیر مأثور.

۲ - تفسیر به رأی و دیدگاههای ایشان در خصوص آن.

۳ - گاه آنچه از سوی خاورشناسان تفسیر نام گرفته، برداشتهای فرقه‌ای مثل تصوف و نظائر آن است.

تفصیل این موارد، مجال دیگری می‌طلبد.

### آسیب‌شناسی روشهای خاورشناسان

### در روند مطالعات قرآنی

واقعیت آن است که روش‌شناسی مطالعات قرآنی خاورشناسان به دو دلیل امری دشوار است:

یکی اینکه نحوه عملکرد آنها در مطالعات قرآنی هماهنگ نیست. دیگر آنکه دامنه این

مطالعات از حیث موضوع و زمان بسیار گسترده است. از این رو هدف ما در این بخش، تنها شناسایی برخی عناصر غالباً مشترک مشکل‌زاد در روش آنان است که در موضوعات زیر خلاصه می‌شود:

الف - ذهنیتها و پیشفرضهای آنان؛

ب - مراجعه نادرست به منابع و مراجعه به منابع نادرست (خطای مراجعه)؛

ج - خطا در استظهار از متون، برداشتهای استنباطها و استنتاجها (خطای فهم).

### الف - ذهنیتها و پیشفرضها

محقق به ویژه آن‌گاه که در امری غریب و دور از فضای فکری و اجتماعی خویش به پژوهش می‌پردازد، باید بکوشد خود را از ذهنیتهای تأثیرگذار در مطالعاتش خالی کند، اما برخی خاورشناسان در این زمینه چندان موفق نبوده‌اند و این ذهنیتها با جلوه‌های گوناگون استنتاجات آنان را جهت داده است:

۱. تردید وسیع و همه‌جانبه در سنت

و تاریخ، به ویژه سیره نبوی

از آنجا که این مطالعات غالباً از سوی کسانی انجام شده است که با فرض و حیانی نبودن قرآن و گاه با نگرش نه چندان مثبت به پیامبر اسلام، مشغول این گونه پژوهشها شده‌اند، دامنه شک

و تردید در آنها بسیار گسترش یافته است. یکی از جلوه‌های بارز این شک پراکنی، ایجاد تردیدهای گسترده در سیره نبوی و قرآن است، به گونه‌ای که حتی نام پیامبر هم از سوی برخی خاورشناسان مورد تردید قرار گرفته است. به اعتراف «امیل درمینگهام» گروهی مانند مویر، نولدکه و ماگولیوس با هم‌بین روش شکاکانه تأثیراتی منفی در آثار خود به جای نهادند. او در این باره می‌گوید:

«من المؤسف حقاً ان غالی بعض هؤلاء المتخصصین من امثال مویر... فی النقد احیاناً فلم تزل کتبهم عامل هدم علی الخصوص...»<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه، برخی از آنان این روایت تاریخی را نادرست می‌دانند که جنگ با یهودیان «بنی‌نضیر» به دلیل تلاش ایشان برای ترور پیامبر صورت پذیرفت و دلیلشان بر نادرستی این خبر، آن است که در سوره «حشر» که پس از بیرون راندن بنی‌نضیر نازل شده، ذکری از این واقعه نیست.

۲. بازگرداندن قرآن و سیره پیامبر

به مبانی نصرانی و یهودی

برخی خاورشناسان این اندیشه را رواج

۱ - الاسلام و المستشرقون، ص ۱۲۶-۱۲۵، به نقل از: عمر ابراهیم روضان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم.

اظهار می‌دارد که جوانب علمی قرآن کاملاً منحصر به فرد است و بسیاری از مطالب آن چنان دقیق و استوار است که هرگز نمی‌توان تصور کرد در آن روزگار کسی به آنها وقوف داشته است، و این در حالی است که مثلاً تورات دارای خطاهای علمی شگفت‌انگیزی است<sup>۱</sup>.

### ۳. تلاش برای اثبات و ارائه استدلال

بر طبق فکر و نظر خود

گلدزیهر می‌پنداشته است که «حدیث» مجموعه‌ای است که در قرن سوم شکل گرفت و قول پیامبر ﷺ نیست و نیز فکر می‌کرده که احکام شریعت در صدر اسلام نزد جمهور مسلمین معروف و شناخته شده نبوده است. آن‌گاه برای این ایده‌ها به برخی روایات متهافت و غیر معتبر تمسک کرده است.

بدین‌سان بعضی از خاورشناسان پیش از آنکه به بررسی و نقد اسلام بپردازند، تصویری خود ساخته و مبتنی بر احساسات و باورهای خویش می‌آفرینند و سپس در مطالعات خویش به دنبال همان تصاویر می‌گردند و هر روایت ضعیف تاریخی را که با آن موافق باشد، پذیرفته جز آن را کنار می‌نهند.

۱- به نقل از: سید ابوالقاسم حسینی، «خاورپژوهان قرآن»، صحیفه‌مبین، سال هشتم، دوره دوم، ش ۲، ص ۴۲.

بعضی از خاورشناسان پیش از آنکه به بررسی و نقد اسلام بپردازند، تصویری خود ساخته و مبتنی بر احساسات و باورهای خویش می‌آفرینند و سپس در مطالعات خویش به دنبال همان تصاویر می‌گردند و هر روایت ضعیف تاریخی را که با آن موافق باشد، پذیرفته جز آن را کنار می‌نهند

می‌دهند که پیامبر شاگرد دانشمندان یهودی و مسیحی بوده است. آن‌گاه قضایای اسلامی را به ریشه‌های یهودی و نصرانی باز می‌گردانند. علت این اصرار، آن است که بسیاری از خاورشناسان مردان کلیسا و یا علمای دین و روحانی بوده‌اند؛ از این رو می‌کوشند هر خیری را به تورات و انجیل نسبت دهند. به ویژه بعد از تشکیل دولت اسرائیل تلاش بسیاری صورت پذیرفته است تا هر میراث اسلامی و عربی به ریشه‌ای یهودی بازگردانده شود. البته برخی خاورشناسان خود به رد این نظریه پرداخته‌اند. دکتر موریس بوکای - که مدتی به مطالعه تطبیقی قرآن و تورات و انجیل مشغول بوده است -

۴. مقایسه احکام اسلام و رخدادهای تاریخی و عادات و اخلاق اسلامی با اسلوب اندیشه غربی این امر به تفسیر مادی و دنیاگرایانه بسیاری از رخدادهای صدر اسلام و نیز بسیاری از رفتارهای پیامبر ﷺ انجامیده است؛ مثلاً علت فتوحات اسلامی را سیطره بر منابع مالی سرزمینهای فتح شده - به سبب نیاز مالی مسلمانان - قلمداد کرده‌اند، چنان که کتاب *الاسلام قوة عالمية متحركة* بر این مطالب اصرار دارد.<sup>۱</sup>

#### ب - خطای مراجعه

علاوه بر ضوابط عمومی مراجعه به منابع در هر تحقیقی، قراردادهای رایج میان دانشوران و اهل فن فرهنگ مورد مطالعه، تقدم و تأخر منابع از حیث قدمت، اهمیت یا صحت و اعتبار و جز آن، ضوابط ویژه‌ای برای مطالعه فراهم می‌آورد. بی‌توجهی به این ضوابط عام یا خاص - به دلیل ناآگاهی یا هر دلیل دیگر - پژوهش را به سوی اشتباهات بزرگ می‌لغزاند. پژوهشهای قرآنی خاورشناسان از این بی‌توجهیها بی‌نصیب نیست که به جمله‌ای از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱ - اعتماد به شماری معین و محدود

##### از مصنفات علوم قرآنی

شمار منابع علوم قرآنی که مورد مراجعه

خاورشناسان است، محدود می‌باشد و این حصر و محدودیت به صورت تقلیدی به نسلهای بعدی خاورشناسان منتقل شده است. و حتی اگر منابعی جدیدتر مورد استفاده خاورشناسان بعدی بوده باشد، معمولاً نتایج به دست آمده، همان نتایج قبلی است؛ به عنوان مثال، گلدزیهر در *مذاهب التفسیر الاسلامی*، روشهای تفسیری را می‌شمارد، اما بسیاری از تفاسیر موجود در دسته‌بندی او از روشهای تفسیری، مندرج نیست و این ناشی از ضعف و محدودیت منابع مورد مراجعه وی است. البته اینکه بعضی از نویسندگان این محدودیت منابع را نوعی تغافل و تجاهل وی بنا به اغراض خاص دانسته‌اند، از نظر نگارنده قطعی نیست.<sup>۲</sup>

#### ۲ - انتخاب روایات ضعیف و منقطع

##### از مصادر علوم قرآنی

گاه دیده‌می‌شود خاورشناسان در عرضه روایات به بعضی دیگر، تناقض و تعارض آنها را دریافته، به این ترتیب در مصداق آنها شک می‌نمایند و در این مورد به روایات منقطع اعتماد می‌کنند؛ مثلاً در قضیه جمع قرآن، کاتب ماده قرآن «ویلش» در *دایرةالمعارف اسلامی* می‌نویسد:

۱ - محمد شامة، *الاسلام فی الفكر الغربی*، ص ۸۶.

۲ - بنگرید به: حسین عزوزی، *دراسات فی الاستشراق و مناہجه*، ص ۵۴.

«حسب بعض الأحاديث المروية يكون عمر قد سأل عن آية من كتاب الله فقبل له: كانت مع فلان فقتل يوم اليمامة، فقال عمر: انا لله، وأمر بالقرآن فجمع كان اول من جمعه في المصحف» واز نظر او، این روایت را روایت کتاب المصاحف ابن ابی داوود نقض می‌کند.

ابن حجر این روایت را جداً ضعیف دانسته و عبارت «کان اول من جمعه» را به معنای «اول من اشر بجمعه» حمل کرده است.<sup>۱</sup>

همچنین با استناد به بعضی روایات ضعیف، گروهی از خاورشناسان نتیجه گرفته‌اند که از قرآن چیزی افتاده است.

### ۳- به دست آوردن نصوص و شواهد

#### از کتابهای ادبی و تاریخی

در برخی موارد اتفاق می‌افتد که اگر خاورشناس نتواند برای تأیید رأی خود از منابع علوم قرآن چیزی به دست آورد، به کتابهای ادبی و تاریخی متوسل می‌شود؛ به عنوان نمونه، گلدزیهر به کتابهای مروج الذهب مسعودی، الأغانی اصفهانی، فهرست ابن ندیم، احیاء العلوم غزالی و... در بررسی علوم قرآن و تفسیر اعتماد کرده است.<sup>۲</sup> و نیز بلاشر در کتاب در آستانه قرآن، در تعداد سوره‌های مکی و مدنی به بعضی حواشی الاتقان ارجاع می‌دهد و سپس می‌گوید: بر اساس روایاتی که ابن ندیم (در

الفهرست) آورده است عدد سوره‌های مکی ۲۸ و مدنی ۸۵ است و بنابراین، مجموع آنها ۱۱۳ سوره می‌باشد.

در حالی که با توجه به اجماع مسلمانان بر ۱۱۴ بودن عدد سوره‌های قرآنی، نقل الفهرست را می‌توان ناشی از خطای نسخه و ضبط ۸۵ به جای ۸۶ دانست!

### ۴- اعتماد بر داستانهای ساختگی

در این زمینه به عنوان نمونه قصه غرانیق و سجود حضرت محمد ﷺ برای بتهای قریش را می‌توان ذکر کرد که عقل و روایات صحیح تاریخی آن را رد می‌کنند و در رد آن کتابها نوشته شده است.

### ۵- توجه نکردن (یا تجاهل)

#### به تفاوت ارزشی میان مصادر

خاورشناسان گاه منابع دست دوم و غیر موثق را به کتابهای موثق و مورد اعتماد - که خودشان نیز می‌شناسند - مقدم می‌کنند؛ مثلاً بلاشر بارها در مورد جمع قرآن و غیر آن به کتاب نولدکه ارجاع می‌دهد.<sup>۳</sup>

۱- ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۳۱۰.

۲- بنگرید به: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۷۸، ۸۳، ۹۰ و ۹۱.

۳- همان.

## ج - خطای فهم

در فهم نصوص و برداشت از آنها، خاورشناسان گاه روشهایی به کار می‌برند که به دستیابی به نتایج نادرست می‌انجامد.

### ۱. خطای در نقل و فهم که به خطا

#### و اشتباه در حکم منجر می‌شود

خاورشناسان گاهی در نقل از مصادر، چیزی را می‌اندازند، البته این امر تا زمانی که به اشتباه در حکم استنتاج شده نینجامد، امری عادی است، اما نتیجه‌گیری اشتباه از نقل ناقص، روشی نادرست است؛ مثلاً هنگام بررسی تاریخ جمع قرآن در زمان عثمان، اتفاق دارند که این زمان، سال ۳۰ بوده است و این چیزی است که برخی از کتب تاریخی ذکر کرده‌اند<sup>۱</sup>، اما آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که این زمان، سال ۲۵ بوده باشد. ابن حجر پس از انجام تحقیق دقیقی در این مسئله گفته است:

«و كانت هذه القصة (ای جمع القرآن) فی سنة خمس وعشرين فی سنة الثانية او الثالثة من خلافة عثمان»<sup>۲</sup>

این اندازه اختلاف طبیعی است، اما مبنا قرار

دادن این امر برای استنتاج بعدی غلط است.

او هنگامی که افرادی را نام می‌برد که در زمان عثمان عهده‌دار جمع قرآن بودند، اظهار می‌کند در این قضیه اضطراب شدیدی است، چون ابن

ابی داوود - مثلاً - اسم ابی بن کعب را مقدم کرده، در حالی که او دو سال قبل از سال ۳۰ مرده بود<sup>۳</sup>. حکم به این اضطراب به دلیل آن است که وی سال واقعه را قطعاً سال سی‌ام پنداشته، در حالی که اگر آن را سال ۲۵ در نظر می‌گرفت به هیچ وجه چنین حکمی نمی‌کرد. همچنین در مورد سعید بن عاص می‌گوید: او در سال سی‌ام والی کوفه بود و محال است که دست‌اندر کار جمع قرآن بوده باشد<sup>۴</sup>.

### ۲. اعتماد بر تأویل ضعیف و توجه

#### نکردن به تمامی متن مورد استفاده

یکی از عناصر رایج در روش مفسران و نویسندگان مسلمان از دیرباز مقدم ساختن تتبع بر تحقیق است، به این صورت که در هر مسئله ابتدا اقوال را نقل می‌کنند، آن‌گاه به تحقیق آنها پرداخته قول مختار را با ادله و شواهد تقویت کرده، سایر اقوال را مورد مناقشه قرار می‌دهند. بعضی از خاورشناسان ابتدا حکمی را در نظر می‌گیرند، آن‌گاه در منابع اسلامی به دنبال چیزی می‌گردند که این حکم را تقویت کند؛ اگر

۱- ابن اثیر، الکامل، حوادث سال ۳۰؛ ابن جندی، النشر،

ص ۷.

۲- ابن حجر، فتح الباری، ج ۸، ص ۱۵.

۳- بلاشر، در آستانه قرآن، ص ۵۶.

۴- همان.



چه این چیز قولی باشد که صرفاً نقل شده و از نظر صاحب کتاب مرجوح باشد؛ به عنوان نمونه، اعتقاد اکثر خاورشناسان بر این است که رسول خدا ﷺ، امی - به آن معنی که مسلمانان معتقدند - نبوده است و معنای امی بودن در قرآن، ناتوانی نسبت به قرائت و کتابت نیست، بلکه مراد از «امیون» کسانی‌اند که وحی و کتابی را تلقی نکرده و نپذیرفته‌اند. پس آنان نسبت به شرایع الهی نادانند (نه خواندن و نوشتن). بلاشر برای تقویت این رأی در کتاب خود، به طبری ارجاع می‌دهد و می‌نویسد: طبری در این باره روایات متعددی آورده است؛ از جمله این روایت که از ابن عباس آورده، می‌گوید: «الامیون قوم لم یصدّقوا رسولاً ارسله الله ولا کتاباً انزله الله فکتبوا کتاباً بایدیهم ثم قالوا القوم سفلة جهال (هذا من عندالله)».

آن‌گاه می‌نویسد: خداوند خبر داده که آنها می‌نویسند و به جهت جحدشان نسبت به کتاب آسمانی و پیامبران امی خوانده شده‌اند. این در حالی است که طبری به دنبال این قول آورده است:

«وهذا التأویل تأویل علی خلاف ما يعرف من کلام العرب المستفیض بینهم و ذلك ان الأمی بین العرب هو الذی لا یکتب».

آن‌گاه قول خود را با این حدیث تقویت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «أنا أمة أمیة

لانکتب ولا نحسب». سپس می‌گوید: «پس در این صورت معنای امی در کلام عرب همان است که گفتیم و اولی در تأویل آیه، آن است که نحعی گفته است که معنای «و منهم امیون» این است: «و منهم من لا یحسن ان یکتب»<sup>۱</sup>.

خوشبینانه آن است که بگوییم اینان به دنباله کلام طبری توجه نداشته‌اند، حتی در این صورت هم این خطای فاحشی در فهم از منابع است.

### ۳. اختراع علل برای احکام و قضایای اسلامی

دریافت حکمت و مصلحت احکام امری پیچیده است. از چیزهایی که اصولیان مسلمان همواره بر آن پای فشرده‌اند این است که: «مارا به فهم ملاکات (مصلح و مفسد) احکام راهی نیست». به دست آوردن حتی بخشی از علت و فلسفه احکام - جدای از آن بخش که در نصوص به آنها تصریح شده است - احاطه به منابع و بصیرت نسبت به مذاق شارع و روح شریعت و چهارچوب قانونگذاری شارع را می‌طلبد. حال اگر خاورشناسی که یقیناً اکثر این تواناییها را فاقد است، بکوشد با معلومات ناقص خود، یا ظن و تخمین و تخیل، حکمت یا علت حکمی را دریابد، احتمال خطا رفتنش زیاد است.

۱- رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ص ۷.

در کتاب درآسة عن الاسلام فى افريقية السودان، نوشته فلیپ فونداسی، تفسیر یکی از خاورشناسان در خصوص دیدگاه اسلام نسبت به مال ذکر شده است؛ تفسیری که از تصور اسلام نسبت به مال بسیار دور است! در فهم آیه شریفه: ﴿خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾<sup>۱</sup> می‌گوید: «اموال مادی - در نظر اسلام - از اصل شیطانی و نجس است و استفاده از این اموال به شرطی بر مسلمان جایز است که آن را با برگرداندن اموال به خدا پاک کند» و دیگران نیز بر این فهم اصرار ورزیده‌اند.<sup>۲</sup>

بی‌گمان اسلام نسبت به مال چنین دیدگاهی ندارد، بلکه اموال پاک و پاکیزه بر مسلمانان مباح و استفاده از آنها جایز و یکی از ابزارهای نیل به کمالات است. مصالح فردی و اجتماعی انفاق و صدقه هم تا حدی معلوم است. - در منابع روایی ما هم - به فرض صحت، اگر مذمتی از مال آمده باشد، برای آن نیست که از اصل شیطانی و نجس است، بلکه به جهت مشکلات نفسانی و روانی است که بستگی و علاقه بیش از اندازه به مال، در انسان ایجاد می‌کند. بدین سان آشکار می‌شود که امثال این‌گونه تعلیل و تفسیرها با دیدگاه واقعی اسلام بیگانه است.

۴. گزینش کردن نصوص و تفسیر دلخواه آنها  
عهده‌داران ثبت و ضبط میراث هر مذهب

و فرهنگی می‌کوشند تا با ضبط دقیق مطالب به ویژه در حوزه سیره و تاریخ، راه فهم و تحلیل درست آن را برای آیندگان بگشایند و اگر در نقل مثلاً یک واقعه تاریخی، حادثه پیشین حذف و آن‌گاه اتفاق پسین آورده شود، تحلیل پدیده و جهت‌گیری نسبت به آن کاملاً متفاوت خواهد بود. از اموری که در مطالعات قرآنی و اسلامی خاورشناسان وجود دارد، نقل‌گزینی و تفسیر دلخواه رخدادهاست که کاروان مطالعات اسلامی را به بیراهه خواهد برد؛ مثلاً بروکلیمان، به نقش یهود در فتنه احزاب در مدینه اشاره نمی‌کند و نیز متذکر این امر که یهود بنی قریظه با پیامبر ﷺ پیمان‌شکنی کردند نشده، تنها می‌گوید: «سپس مسلمانان به بنی قریظه که رفتار آنها همواره غامض بود، هجوم بردند».<sup>۳</sup>

#### ۵. استنباط امر کلی از حوادث جزئی

این مسئله سبب اشتباهات بزرگی در داوریه‌های خاورشناسان نسبت به قرآن شده است؛ به عنوان مثال می‌دانیم در قرآن لغاتی وجود دارد که ریشه غیر عربی دارند، مسلمانان خود به این امر واقف بوده و در کتب علوم قرآنی

۱ - توبه / ۱۰۳.

۲ - به نقل از: عمر ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول

القرآن و تفسیره، ج ۱، ص ۸۳.

۳ - الاسلام و المستشرقین، ص ۱۲۲-۱۲۱.

## ۶. بزرگ و فربه کردن اشتباهات کوچک

این امر به طور کلی در مطالعات اسلامی و به ویژه در مطالعات قرآنی، سبب زشت شدن چهره اسلام می‌شود. وجود اشتباه و خطا در تاریخ مسلمانان مثلاً در جنگ و بروز فتنه میان آنان یا اختلاف نظر نسبت به موضوعی در خصوص قرآن، امری طبیعی و در هر فرهنگ و آیینی جاری است؛ اما اگر این امر بزرگ‌نمایی شود، برای صاحبان آن ایده مخاطره‌آمیز خواهد بود؛ مانند اینکه این‌گونه القا شود که مسلمانان در هیچ یک از امور مربوط به قرآن اتفاق نظر ندارند که نمونه‌های این قبیل موضع‌گیریها در آثار خاورشناسان بسیار است.

## سخن پایانی

شبهه را به طور کلی می‌توان امری پسندیده و بایسته و ضامن پیشرفت کاروان علم و دانش و روند پیشرفت و پژوهش دانست. از امام صادق علیه السلام سؤال نمودند، اگر در برخی مسائل برای ما شبهاتی ایجاد شود، چه باید کرد؟ ایشان می‌فرماید: «شبهه اگر در حد شبهه باشد، جایز است؛ اما اگر این شبهه‌ها ما را به جهل رهنمون شوند اشکال دارد».

شبهات درباره قرآن کریم را از منظری دیگر

۱- همان، ص ۹۱-۸۳. مؤلف تعدادی از خاورشناسان دارای این عقیده را نام برده است.

خود برای این امر جایی گشوده‌اند. اما این هرگز به معنای غیر عربی بودن قرآن نیست، چه اینکه وجود کلمات و واژگان وارداتی از زبانهای بیگانه، در هر زبانی امری طبیعی و لازمه تعاملهای اجتماعی بشر است؛ اما این امر باعث شده که بعضی خاورشناسان معتقد باشند که قرآن عربی نیست و ریشه‌اش زبانها و فرهنگهای بیگانه است. همین نتیجه‌گیری خلاف واقع سبب شده است که منکر موضوعیت زبان عربی در متن قرآن شوند و به رها کردن زبان عربی قرآن و نوشتن آن به زبان لاتینی دعوت کنند، با این بهانه که این برای اجنبی آسان‌تر از فراگیری آن به عربی است.<sup>۱</sup> در حالی که ما می‌دانیم از نظر اسلام قرآن باید به زبان عربی باشد - که البته برای اهداف خاصی ترجمه آن جایز و بلکه لازم است - اما قرآن با حفظ عربیتش قرآن است و قرائت آن در نماز به عربی واجب است و ترجمه آن - به هر زبانی که باشد - ترجمه قرآن است نه خود قرآن.

اصولاً در هر گونه فهم و استظهار از متون، توسعه و تعمیم، ضابطه می‌خواهد و قرآن از این قاعده مستثنی نیست در حالی که خاورشناسان رعایت آن را نمی‌کنند، و کتابی که خود آن را "عربی مبین" خوانده و پایه‌گذار قواعد نحوی و بلاغی عرب است غیر عربی خوانده‌اند!

می‌توان به دو دسته کلی کهن، مانند آنچه در آثار فخر رازی و عبدالجبار معتزلی دیده می‌شود و شبهات جدید، مثل تشکیک در وحیانی بودن ترکیب لفظی قرآن و ... تقسیم کرد.

زمینه‌های ایجاد شبهه نیز به دو گروه داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند:

۱ - زمینه‌های خارجی، مانند دیدگاه‌های مستشرقان که قرآن را اساساً به عنوان وحی آسمانی باور ندارند و آن را برخاسته از هوش و نبوغ و روشن اندیشی و سایر ویژگیهای برجسته پیامبر ﷺ می‌دانند. لذا تضادهای خیالی قرآن با تاریخ یا علم را به دلیل اشتباه پیامبر می‌دانند، که اگر وحی بودن آن را می‌پذیرفتند از اشتباه خالی می‌شمردند.

۲ - زمینه‌های داخلی شبهات که به دلیل همگام نبودن برداشت‌های مفسران از قرآن، با روند پیشرفت علوم پدیده آمده است.

به طور کلی با این گونه شبهات به یکی از سه صورت زیر می‌توان برخورد کرد:

۱ - برخورد تکفیرآمیز و مرتد پنداری؛

۲ - مواجهه تحقیرآمیز؛

۳ - برخورد متین و مبتنی بر استدلال در فضای آکنده از عطف و رأفت.

شیوه معمول اهل بیت علیهم‌السلام در احتجاجات خود با دیگران، همان روش سوم است. در این باره می‌توان به برخورد امام حسن عسکری علیه‌السلام

با اسحاق کندی فیلسوف مشهور مسلمان اشاره کرد. او که تفکرات الحادی داشت، شش ماه درس خود را تعطیل کرده بود تا تناقضات قرآن را گردآوری کند؛ امام توسط یکی از شاگردانش به او پیام داد که: آن که قرآن سخن اوست، اگر بگوید آنچه تو به عنوان اختلاف و تناقض می‌فهمی برداشت توست و من آن را قصد نکرده‌ام چه می‌کنی؟

کندی با شنیدن این سخن تکان‌دهنده همه کاغذهایی را که در آن مدت گرد آورده بود به آتش کشید.

به عنوان تأیید شیوه سوم، می‌توان به سخن یکی از قرآن‌پژوهان معاصر اشاره کرد:

«کسی که سؤال دارد همانند فرد مریض است. آیا می‌توان به مردم گفت نباید مریض شوید. شبهه یکی از دردها و علت‌هاست، طیب نباید فرد را به دلیل ابتلا به مرض شماتت کند، بلکه باید به دنبال درمان او باشد. به همین دلیل کسی را که شبهه دارد نباید معاند پنداشت.»<sup>۱</sup>

روشن است اگر کسی که در فضای آزاد و بدون وابستگی به آیینی می‌اندیشد، با بسیاری از ابهامات مواجه شود و بر مسائل زیادی خرده گیرد و حتی اگر در انتخاب و استفاده از منابع

۱- به نقل از: حسن حکیم باشی، «معرفی توصیفی شبهات و ردود حول القرآن الکریم»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۳۸۲، ش ۳۳، ص ۲۳۴.

و اطلاعات به خطا نرفته باشد، در دریافت و تلفیق و استنباط و استنتاج، به نتایجی مطابق آنچه شخص ملتزم و معتقد به آنها می‌رسد، دست نیابد، چنان که اگر ما نیز به مطالعه فرهنگها و آیینهای دیگر بپردازیم، همین گونه خواهد شد.

همان گونه که پیشتر اشاره شد، نویسندگان مسلمان اگر چه غالباً از پدیده خاورشناسی تلقی بدبینانه داشته‌اند، اما بعضی در فضای بدون تعصب با بذل حوصله و دقت، به بررسی و پاسخگویی به این شبهات پرداخته‌اند. با نگاهی اجمالی به برخی شیوه‌های مطالعات قرآنی خاورپژوهان، پژوهشی که بایسته انجام است، بررسی شیوه‌های پاسخگویی به این مسائل از سوی قرآن‌پژوهان مسلمان - به ویژه کسانی که به‌طور تخصصی به حل شبهات پیرامون قرآن پرداخته‌اند - می‌باشد که البته طبیعتاً در فرآیند بررسی تخصصی و جزئی شبهات، ناهنجاریهای شیوه مطالعات قرآنی - که به تولید شبهه می‌انجامد - بیشتر آشکار خواهد شد.

## منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ.
- ۲- ابن جزری، النشر فی قراءات العشر.
- ۳- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

- ۴- الصغیر، محمد حسین علی، خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، مؤسسه مطبع الفجر، ۱۳۷۲ش.
- ۵- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن.
- ۶- حمدی، محمود، الاسلام و المستشرقون، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۴۰۴ق.
- ۷- رضوان، عمر ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ریاض، دارالطیبه، ۱۴۱۳ق.
- ۸- سحاب، ابوالقاسم، فرهنگ خاورشناسان، انتشارات کتاب سحاب.
- ۹- سعید، ادوارد، شرق‌شناسی (شرقی که آفریده غرب است)، ترجمه اصغر عسکری خانقاه - حامد فولادوند، تهران، انتشارات عطائی، ۱۳۶۱ش.
- ۱۰- شلبی، عبدالجلیل، الاسلام و المستشرقون، قاهره، ۱۹۷۷م.
- ۱۱- طبری، ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن.
- ۱۲- عزوزی، حسین، دراسات فی الاستشراق و مناهجه، چاپ فاس، ۱۴۱۹ق.
- ۱۳- گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالحلیم نجار، قاهره.
- ۱۴- مقدادی، فؤاد کاظم، اسلام و شبهات المستشرقین، مجمع عالمی اهل بیت، ۱۴۱۶ق.
- ۱۵- الندوی، ابوالحسن، الاسلام و المستشرقون. ①